

## بلا و بهای خام‌اندیشی

**گفتاری به بهانهٔ چهل و پنجمین سال روز ترور استاد مرتضی مطهری**



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

در نگاه اول شاید این پرسش در ذهن شما نباشند که کدام نکتهٔ ناگفته دربارهٔ استاد مرتضی مطهری در این ۴۵ سال باقی مانده که این گفتار درصدد تبیین آن است؟

اگر هم از یادآوری صرف یک مناسبت سیاسی فراتر نیست چه نیاز به بازخوانی تاریخی و یادداشت تحلیلی و چرا در صفحهٔ آخر و در مرور تقویمی نه؟ نهایت اینکه به این بهانه از «روز معلم» بگویم اگر چه این هم از آن نام‌گذاری‌های شگرف است زیرا مرحوم مطهری هیچ‌گاه معلم به مفهوم آموزش و پرورشی و مصطلح کلمه نبوده بلکه استاد دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران بوده (که قبل‌تر به‌عنوان دانشکدهٔ منقول و معقول هم شناخته می‌شده) و اگر این نویسنده گشاده‌دستانه لفظ «استاد» را دربارهٔ او به کار می‌برد به همین اعتبار است نه به سبک دیگران که مثل نقل و نبات به هر که استاد می‌گویند.

در نظر داشته باشیم مرتضی مطهری‌بی که برخلاف بهشتی و باهنر و مفتاح و گل‌زاده غفوری و حتی کربوبی و خاتمی و روحانی و ناطق نوری در زمرهٔ روحانیونی نبوده که بعد از تحصیلات حوزوی یا هم‌زمان با آن در دانشگاه نیز تحصیل می‌کرده‌اند (غالباً در رشتهٔ الهیات و در مواردی هم حقوق یا فلسفه یا ادبیات) تحصیلات دانشگاهی نداشته اما در دانشکده‌ای تدریس می‌کرده که بزرگان و نام‌دارانی چون دکتر مهدوی دامغانی و دکتر عبدالحسین زرین کوب استاد آن بوده‌اند.

در خاطرات پروفسور رضا، رئیس وقت دانشگاه تهران - در اواسط دههٔ ۴۰ خورشیدی - آمده روزی آقای مطهری را در ایستگاه اتوبوس منتظر می‌بیند، می‌ایستد و او را به خانه می‌سازد و در پی آن به امور مالی دانشگاه تهران دستور می‌دهد حقوق این استاد چنان باشد که بتواند برای خود اتومبیل مناسبی تهیه کند و اندک زمانی بعد از آن او می‌تواند بنز سوار شود. نه از بیت‌المال یا هدیهٔ فلان بازرگان که حاصل تدریس در جایگاه استادی دانشگاه تهران. توضیح «استاد»ی زیاده از حد شد. دربارهٔ اصطلاح «معلم انقلاب» نیز می‌دانیم این عنوان برای دکتر علی شریعتی به کار می‌رفت نه مرتضی مطهری و جالب است یادآوری شود که ۱۲ اردیبهشت سالروز شهادت دکتر ابوالحسن خاتعلی است؛ معلمی که ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ در جریان اعتراض صنفی معلمان به لایحهٔ «ایشل حقوقی» با گلولهٔ سرگرد ناصر شهرستانی رئیس کلانتری ۲ (بهارستان) کشته شد و بعد از آن یکی دو سال به عنوان روز معلم گرمی داشته می‌شد و قرار بود بعد از انقلاب ۵۷ احیا شود و گواه این مدعا هم خبر صفحهٔ آخر روزنامهٔ اطلاعات در ۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ یعنی دو روز قبل از شهادت استاد مطهری است؛ خبری که در آن کانون مستقل معلمان تهران خواستار آن شده بود که روز ۱۲ اردیبهشت به عنوان روز معلم نام‌گذاری شود و معلمان نیز روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ از آیینی به همین مناسبت در باشگاه معلمان (در خیابان کاشان) شرکت کنند. جالب اینکه ابوالحسن خاتعلی در دبیرستان جامی تهران فقه عربی درس می‌داده و چون دانشجوی دکتری دانشکدهٔ معقول و منقول یا الهیات بعدی بوده به دکتر خاتعلی شهرت داشته است؛ همان دانشکده‌ای که آقای مطهری در آن بعدتر تدریس کرد و همین تقارن سبب شد ۱۲ اردیبهشت به‌عنوان روز معلم احیا شود اما مناسبت آن در تقویم رسمی جمهوری اسلامی نه شهادت ابوالحسن خاتعلی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ در حوالی بهارستان که شهادت مرتضی مطهری در شامگاه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ و باز هم در حوالی بهارستان باشد و مشکل با انتقال از روز ۱۱ اردیبهشت به فردای آن حل شد!

مهم‌تر از اینها اما اقدام و انگیزهٔ ضارب مطهری است. جوانی به نام محمدعلی بصیری عضو گروه فرقان که در آن شب و در مقابل خانهٔ دکتر دیدالله سحابی استاد را که سر کوجه منتظر اتومبیل بود هدف قرار داد تا علی مطهری همواره حسرت خورد که کاش آن روز هم مثل قبل پدر را به مقصد می‌رساند.

پرنگ‌ترین ادعا در تبلیغات رسمی اما در این سال‌ها این بوده که گروه فرقان تحت تأثیراندیشه‌ها و آموزه‌های دکتر علی شریعتی قرار داشته و به همین خاطر کینهٔ مطهری را به دل داشتند و او را ترور کردند چون علیه شریعتی موضع می‌گرفته است.

این در حالی است که با این تحلیل آخرین ترور فرقان (آیت‌الله خامنه‌ای در ۶ تیر ۱۳۶۰) یا ترور دکتر مفتاح در آذر ۱۳۵۸ قابل توضیح نیست چون یکی از دوستان و علاقه‌مندان شریعتی بود و دیگری در مراسم تشییع دکتر در دمشق هم شرکت داشت.

یا گفته شده تحلیل اکبر گودرزی سرکردهٔ فرقان این بود که مطهری به قدر کافی انقلابی و شایستهٔ ریاست شورای انقلاب نبوده و به همین خاطر همان شب وقتی با روزنامه‌ها تماس گرفتند و گفتند، «رئیس شورای انقلاب را کشتیم» تازه رسانه‌ها و مردم دانستند آقای مطهری نه‌تنها عضو که رئیس شورای انقلاب هم بوده و اسباب شگفتی هم بود زیرا کسی چون آیت‌الله طالقانی که به مرد شمارهٔ دو انقلاب شهرت داشت هم عضو آن شورا بوده است و ریاست در حضور طالقانی باورپذیر نمی‌نمود. او که همه جا چتر پدری می‌گستر.

اگر مطهری به اندازهٔ کافی انقلابی نبود و ایضاً مهدی عراقی که در جشن سیاسی سال ۱۳۵۵ شرکت کرده بود چرا هاشمی‌فسنجانی را در خرداد ۵۸ با آیت‌الله خامنه‌ای را در تیر ۶۰ ترور کردند؟

بعضاً این‌گونه تحلیل می‌شد که مبارزه با مثلث زز و زور و تزویر را که شریعتی گفته بود بد فهمیدند و نماد زور را سرلشگر قرنی اولین رئیس ستاد ارتش ملی بعد از انقلاب دانستند و در فروردین سراغ او رفتند و تزویر را مطهری و زز را هم دیگری به صرف نام خانوادگی و ارتباط و شراکت برادر.

تحلیل اولیهٔ خود هاشمی‌رفسنجانی هم البته نادرست بود. در همان مراسم مشهور در مدرسهٔ فیضیه که امام خمینی با دستمال اشک از صورت می‌زداید و مانند مراسم عاشورا اندوه‌گینی خود را علنی ابراز می‌کند (هم او که در سوگ فرزند خود مصطفی در علن نگریسته بود) سخنران مراسم، هاشمی‌رفسنجانی بود که انگشت اتهام را به جانب دودرصدی‌ها گرفت تا به مارکسیست‌ها طعنه‌بزند که در فرزاندم جمهوری اسلامی از تحریم آن طرفی نبسته بودند زیرا ۹۸ درصد مردم به جمهوری اسلامی رأی آری داده بودند.

تحلیلی که البته کاملاً نادرست و از هاشمی‌ای که بعدتر بیشتر شناختیم بعید بود همان موقع و همان جا البته حسین نقاشان از محافظان امام خمینی در گوش رهبر فقید انقلاب گفت اشتباه می‌کنند چون اینها را برخی از دوستان می‌شناسند و متعاقب آن بود که اعضای ارشد مجاهدین انقلاب اسلامی و چهره‌هایی چون محمد عطریان‌فر و مرتضی الوبری با اطلاعاتی که از گروه فرقان داشتند در نابودی و به دام افتادن آنان نقش مؤثری ایفا کردند.

در خاطرات حجت‌الاسلام معادینخواه که تنها کرسی قضاوت او در جمهوری اسلامی همان محاکمهٔ فرقانی‌ها بوده (با همکاری ناطق نوری که او هم استثناً تنها در همین فقره قضاوت کرد) نیز آمده برخی از فرقانی‌ها چنان عقبه مذهبی یا علایق انقلابی داشتند که به جبههٔ جنگ رفتند و شهید شدند.

این اشاره هم جالب است که دو سه روز بعد روزنامهٔ «بامداد» دربارهٔ ترور شهید مطهری با آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری مصاحبه و در آن ایشان تصریح کرد ترور کار متعصبان مذهبی است و نمی‌تواند کار نیروهای چپ باشد. تحلیلی که درستی آن بعدتر روشن شد.

با این اوصاف اگر به خاطر بدفهمی آرای شریعتی یا کینهٔ شخصی از مطهری و مفتاح نبوده و جاسوس و عامل اجنبی هم نبوده‌اند پس آن ترور‌ها ریشه در چه داشت؟ خاصه مورد مطهری که اگر زنده می‌ماند چه‌بسا اتفاقاتی چون اشغال سفارت و سقوط دولت بازرگان رخ نمی‌داد و حتی سرزنشت دوست و هم‌حجره‌ای او - آیت‌الله منتظری - در ۱۰ سال بعد هم دیگر می‌شد.

تشبیه به خواجه هم راهی نمی‌گشاید یا اینکه از تعبیر دکتر محقق داماد در موارد دیگر استفاده کنیم- چهل مقدس. چون فرقانی‌ها به‌رغم سابقهٔ طلبگی رئیس شان - اکبر گودرزی- الزاماً آدم‌های خیلی مذهبی نبودند تا بتوان فرد اخیر‌الذکر را به این ملجم مرادی مانند کرد.

اینها اما خام‌اندیشانی بودند که سیاست را ساده می‌انگاشتند و با تحلیل‌های ابتدایی می‌خواستند حرکتی انجام دهند. انقلابی بودند ولی بی‌سواد یا کم‌سواد و بی‌سبب نیست که می‌گویند کم دانستن از ندانستن بدتر است.

آن کس که نمی‌داند یا می‌کوشد که بداندو اگر بداند که نمی‌داند گستاخی نمی‌کند اما آنکه کم می‌داند و می‌پندارد می‌داند و زیاد می‌داند اعتمادبه‌نفسی پیدا می‌کند که یک بار از سلاح محمدعلی بصیری به گلوله علیه مرتضی مطهری بدل می‌شود و نوبت دیگر از سلاح سعید عسگر و به گلوله علیه سعید حجاریان و البته می‌دانیم اولی اعدام شد و دومی نه. اگر تصور کنیم به خاطر آن بوده که ترور اول چون به قتل انجامیده ضارب اعدام شده و دومی چون جسته نه باید یادآور شد ضارب هاشمی‌رفسنجانی هم اعدام شد با آنکه هاشمی از آن جست.

مدعای اصلی آیت‌الله محقق داماد در «فاجعهٔ چهل مقدس» این است که «امام حسین را بی‌دین‌ها نکشتند، دین‌دارها - یا مدعیان دین‌داری- کشتند» و توضیح داده این‌عنوان را از «جردانو برنو» وام گرفته که وقتی او را در میدان روم بسته و دور او هیزم انباشته بودند، پیرزنی جمعیت را می‌شکافد و از گوشهٔ دستمال خود یک قطعه چوب بیرون می‌آورد تا برای رسیدن به خدا در آتش زدن برنو مشارکت داشته باشد و برنو که این صحنه را می‌بیند فریاد برمی‌آورد: «فترین بر چهل مقدس تو».

مراد از چهل مقدس آن قسم از نادانی است که به خداوند نسبت داده می‌شود ولی دربارهٔ فرقان نمی‌توان گفت به قصد قربت الهی و بهشتی شدن می‌کشتند و دیدگاهی چون داعش می‌داشتند تا عنوان «چهل مقدس» بر آنها بار شود.

پس کدام انگیزه سبب می‌شود محمد علی بصیری فرمان اکبر گودرزی را اجرا کند و با مدعای انقلابی‌گری سراغ رئیس شورای انقلاب برود؟ همان انگیزه یا توهم که موجب می‌شود محمدمهدی عبدخدایی ۱۵ ساله به دکتر سیدحسین فاطمی شلیک کند.

این همان بلائی خام‌اندیشی است و اگر در یک‌ماهگی نظام سیاسی قابل درک است ولو بسیار برهنه باشد در ۴۵ سالگی همان ساختار اسباب شگفتی است اگر کسانی همچنان بر همان مدار خام‌اندیشانه رفتارهایی داشته باشند که جز خسران در پی نیابود.

بالاترین بهایی که جمهوری اسلامی در این ۴۵ سال پرداخته بابت همین بلا بوده: خام‌اندیشی و شگفتا که چنین تجربه‌ای را پشت سرگذاشته‌ایم و همچنان کسانی و محافلی و گروه‌هایی انقلابی‌گری را همان خام‌اندیشی می‌دانند و خام‌اندیشانه و خیال‌پردازانه نسخه‌هایی تجویز می‌کنند که اگر چه در قالب گلوله بر شقیقهٔ امثال مطهری نمی‌نشیند اما هزینه‌های فراوان در بر دارد چندان که اگر جردانو برنو، سیاوش‌وار از آتش رسته باشد هم به جای نفرین بر چهل مقدس فریاد برآورد: نفرین بر این خام‌اندیشی!

### ۲

### تیتریک

HEADLINE ONE

### اصغر جهانگیر سخنگوی جدیدقوه‌قضائیه

**در نخستین کنفرانس خوداز وضعیت پرونده‌های جنجالی خبر داد**

# سلام پرخبر

**گروه‌خبر:** سخنگوی جدید قوه قضائیه،روز گذشته‌برای نخستین‌بارپشت‌تربیین رفت‌وبه‌سوالات‌اصحاب‌رسانه‌پاسخ‌داد. اصغر جهانگیر در نخستین حضور خود به‌عنوان سخنگوی دستگاه قضا، درباره پرونده‌های مهمی مثل جای دیش، زمین ازگل، بابک زنجانی و تشکیل پرونده برای برخی فعالان رسانه‌پس از عملیات وعده صادق صحبت کرد.

#### ▼ **نقض حکم بابک زنجانی**

چندی پیش خبر بازگشت اموال بابک زنجانی به‌طور رسمی منتشر شد. به گزارش ایسنا، رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۳۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۲، طی سخنانی در نشست شورایعالی قوه قضائیه، از این موضوع خبر داد که در نتیجه تلاش‌های همه بخش‌های ذی‌ربط، اموال «بابک زنجانی» در خارج از کشور شناسایی و به تهران منتقل شد. رئیس کل بانک مرکزی نیز در روز اول اسفندماه تاکید کرد: اموال بازگردانده شده بابک زنجانی که به‌صورت دارایی‌های آزی است، تماماً به خزانه بانک مرکزی منتقل شده است. بدهی زنجانی به مبلغ یک میلیارد و نهصد و شصت و هفت میلیون و پانصد هزار یورو تسویه شد و این اموال به‌عنوان پشتوانه پولی کشور به خزانه بانک مرکزی بازگشت. ارتش دارایی‌های وارده‌شده بابک زنجانی به کشور با احتساب اموال قبلی مصادره‌شده، مجموعاً از کل مبلغ بدهی وی و خسارات وارده پشور شد. جهانگیر درباره آخرین وضعیت پرونده بابک زنجانی گفت: «رای این پرونده در سال ۹۵ از شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور صادر شد و در آن رای پیش‌بینی شده بود در صورت استرداد اموال و جبران خسارات وارده و اظهار ندامت و توبه می‌تواند استحقاق برخورداری از تخفیف مجازات را داشته‌باشد. با توجه به همکاری این متهم که بیش از ۱۰ سال در زندان است، این

## قراردادی با چین وجود دارد؟

### بررسی تنش‌های ایجادشده در مدیریت شهری تهران

تماس تلفنی گفت که قرارداد را برای شما ارسال کردیم و من گفتم که چنین چیزی صحت ندارد. همین. شنیده‌ها حاکی از آن است که این شرکت چینی قرار است ساخت تمام تونل‌های متروی تهران را هم شروع کند.

تشکری هاشمی با اشاره به اینکه ساخت خطوط مترو در شورای شهر تهران تصویب نشده است، گفت: «این موضوعات با هزینه ۱۲ میلیارد یورو برنامه‌ریزی شده است. از جمله این برنامه‌ها ساخت خطوط ۹ و ۱۱ و مترو است که قرار است به این شرکت فاینانسور بدهند. البته هنوز نه‌بودجه‌آن در شورای شهر تهران تصویب شده و نه جزئیات فنی این قراردادها مطرح شده است.» او افزود: «وقتی مشکلی پیش می‌آید واسلاما سر داده و آن را به تحریم نسبت می‌دهیم که از ناپختگی است. شرکت‌های خارجی باید برای فروش این محصولات التماس کنند. اگر به ملاحظات بیزناریم منطقی‌تر است تا اینکه با استفاده از کلمه پرابهامی به‌نام «تحریم» همه‌روش‌های قانونی رازیرا بگذاشته و از هر راه غیرمترافی پیش برویم.»

#### ▼ **قرارداد چینی‌ها کجاست؟**

اعضای شورای شهر تهران می‌گویند قرارداد ۲میلیارد یورویی رانديده‌اند و شهرداری ادعا می‌کند آن را به شورای شهر رسانده است. سوال این است که قرارداد چینی‌ها کجاست؟ این قرارداد آنطور که گفته می‌شود به دفتر مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران رسیده و شهرداری رونوشت‌نامه آن را به اعضای شورای شهر تهران ارسال کرده است اما قرارداد از دفتر رئیس شورای شهر تهران برای اعضا ارسال نشده است. از سوی دیگر یک نسخه آن در اختیار نرجس سلیمانی، رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران قرار گرفته و او در یکشنبه پرتنش شورای شهر تهران از آن به‌عنوان «شبه‌قرارداد» یاد کرد.

#### حکمرانی خارج از نظارت

برخی از مردم تهران یر آن عقیده بودند که نمایندگان مجلس - حداقل نمایندگان مردم تهران در مجلس - باید این موضوع را از احمد وحیدی، وزیر کشور و سازمان‌های نظارتی پیگیری کنند، با وجود این مطالبه اما نمایندگان مجلس در آخرین روزها از وجود این قرارداد نجومی اظهار بی‌اطلاعی کردند و برخی از آنها این موضوع را در حد خبرهای منتشرشده در رسانه‌ها پیگیری کردند و حاضر نشدند به آن واکنش نشان دهند؛ درحالی‌که برخی از اعضای سابق شورای شهر تهران در مجلس حضور دارند و از اهمیت این قرارداد باخبر بودند. از سوی دیگر انتظار می‌رفت به دلیل اهمیت تهران به عنوان پایتخت ایران و تأثیری که بر دیگر شهرها می‌گذارد، اعضای کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها به این موضوع ورود پیدا کنند اما اینطور به نظر می‌رسد که حمل و نقل عمومی شهر تهران برای نمایندگان خودروسوار مهم‌نیست.

**احمد علیرضاییگی، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس** درباره قرارداد ۲ میلیارد یورویی شهرداری تهران با چین به هم‌میهن گفت: «شهرداری می‌تواند با



### گزارش یک